

فن تلاوت و حس قراء با توجه به مفهوم آیات قرآن کریم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۶/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۹/۰۹)

دکتر میلاد خلیلی^۱

دانش آموخته دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد، میبد، ایران

فاطمه کریم پور

دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، شیراز، ایران

چکیده

در قرآن کریم، آیاتی پیرامون رابطه تلاوت با ازدیاد ایمان وجود دارد. آیه اصلی که مودب و قائمی به آن پرداخته‌اند، آیه‌ای است که در آن، یکی از اوصاف مؤمنان راستین، افزایش ایمان ایشان در برابر شنیدن تلاوت آیات الهی دانسته شده است. برای فهم بهتر مفاد آیه، لازم است که به آن در سیاق آیات قبل و بعد نگریسته شود. خدای متعال در آغاز سوره انفال، با بیان شرط ایمان برای عمل به سفارش‌های الهی، به تعریفی از مؤمنان پرداخته و می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال: ۴-۱) به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ [ای پیامبر] از تو درباره غنایم جنگی می‌پرسند. بگو: غنایم جنگی، اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد؛ پس، از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید؛ و اگر ایمان دارید، از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. مؤمنان، همان کسانی‌اند که چون خدا یاد شود، دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود، بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. همانان که نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. آنان هستند که حقاً مؤمنند؛ برای آنان، نزد

^۱ نویسنده مسئول

پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود. چنانچه ملاحظه می شود، در این آیه، سه دستور «رعایت تقوا، اصلاح ذات البین و اطاعت از خدا و رسول خدا»، به داشتن ایمان منوط شده است. به همین جهت و برای روشن شدن حدود ایمان و نشانه های اهالی ایمان، خدا در آیات بعد به وصف ایشان پرداخته و پنج صفت را بیان می کند: ترس باطنی نسبت به عظمت الهی، افزایش ایمان هنگام شنیدن آیات الهی، توکل بر خدا، برپا داشتن نماز و در نهایت، انفاق. اگر ترتیب این اوصاف پنج گانه را ملاک بگیریم، باید هر وصفی را متوقف بر وصف قبلی و پیامد آن بدانیم. ابتدا وصف «وجل» ذکر شده که ترس و هراسی است که در مقابل مشاهده عظمت پروردگار، زاده می شود. برخی مفسران و اهل لغت، «وجل» را باخوف و فزع مترادف دانسته اند. اینکه خوف و خشیت الهی، بر ازدیاد ایمان بر اثر استماع آیات الهی مقدم شده، بیانگر این نکته است که ابتدا باید فرد، با اختیار و آگاهی، ایمان را پذیرا شود؛ وانگهی در صورت داشتن قابلیت، پروردگار به او ایمان و هدایتی پاداشی نیز ارزانی می فرماید که در اینجا این هدیه، از طریق تلاوت صورت می گیرد.

واژگان کلیدی: قرائت قرآن کریم، مفسران، آیات قرآن، تفسیر، تلاوت

مقدمه

از دیگر کارکردهای تلاوت می توان به اصلاح افراد اشاره کرد. تلاوت آیات الهی بر انسان زمینه ساز اصلاح وی می شود و او از این شایستگی برخوردار می گردد تا به مقام اهل تقوا و رستگاری

برسد. (اعراف: ۳۵) قرآن در آیه ۱۱۳ و ۱۱۵ سوره آل عمران تلاوت آیات الهی به ویژه در شب را عامل مهمی برای انجام کارهای خیر و تزکیه انسان برمی شمارد.

تلاوت آیات الهی زمینه ساز تقوای پیشگی انسان به شمار می رود (اعراف: ۳۵) و موجب می شود انسان در زمره صالحان (آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴) قرار گیرد. از نظر قرآن تلاوت آیات الهی به هنگام شب و در حال سجده معیاری برای برتری و فضیلت انسان بر دیگری می باشد (آل عمران آیه ۱۱۳) و موجبات ازدیاد و افزایش ایمان مؤمنان راستین (انفال: ۲ و ۴) و خشم و غضب کافران (حج: ۷۲) را فراهم می آورد. از آثاری که قرآن برای تلاوت بیان می کند می توان به اظهار ایمان (قصص: ۵۲ و ۵۳) اعراض کافران و مشرکان از حق و حقیقت (اسراء: ۴۶)، اقرار به حق و حقانیت قرآن (قصص: ۵۲ و ۵۳) امیدواری به پاداش همیشگی (فاطر: ۲۹)، انذار انسان های دیگر (مریم: ۹۷) بشارت و مژده به پرهیزگاران (همان)، بالا بردن ظرفیت و توان انسان ها برای به دوش گرفتن مسئولیت های سنگین (مزل: ۴ و ۵) تذکر (دخان: ۵۸) و تسلیم در برابر حق (قصص: ۵۳ و ۵۴)، تعلیم معارف الهی به مردم (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱ و آل عمران: ۱۶۴ و جمعه: ۲)، ایجاد حجاب میان کافران و مؤمنان (اسراء: ۴۵)، ایجاد خشوع (اسراء: ۱۰۷ و ۱۰۹) و خضوع (همان)، هدایت (آل عمران: ۱۰۱) و مغفرت (انفال: ۲ و ۴) و جلوگیری از ارتداد (آل عمران: ۱۰۰ و ۱۰۱) اشاره کرد.

بخش اول: حلول و ارتحال

در باب آداب تلاوت، روایتی را مرحوم کلینی از امام سجاد (ع) نقل می کند که از آن حضرت پرسیدند: «ای الاعمال افضل؟» کدام یک از اعمال بهتر است؟ «قال: الحال المرتحل» یعنی کسی که وقتی وارد قرآن شد، از مرحله ای به مرحله دیگری منتقل شود تا اینکه به پایان قرآن برسد. راوی می گوید: از امام پرسیدم: «و ما الحال المرتحل؟» حال المرتحل کیست؟ قال: «فتح القرآن و ختمه» فرمود: شروع به قرآن و فراغت از آن. «كلما جاء بأوله ارتحل في آخره» هر وقت به اولش

رسید می کوشد که از آن مرحله رحلت کند و آن را بیماید تا به آخرش برسد. آنگاه امام سجاده (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرد که فرمود:

«من أعطاه الله القرآن فرأى أن رجلاً أعطى أفضل مما أعطى فقد صغر عظيماً و عظم صغيراً» کسی که خداوند قرآن را به او عطا کرد (یعنی علم قرآن و آشنایی با قرآن را روزی او قرار داد) و باز هم پنداشت نعمتی را که خدا به دیگران داده بالاتر از نعمتی است که خداوند به او داده است، این شخص بزرگی را کوچک شمرده و کوچکی را بزرگ حساب کرده است و از این روایت معلوم می شود که هیچ نعمتی بالاتر و با فضیلت تر و ارزشمندتر از علوم قرآن نیست و اگر کسی که قرآن را آموخته باز هم این نعمت بزرگ را کوچک بشمرد و یا نعمتی را از آن ارزشمندتر حساب کند، او در حقیقت قرآن را که عظیم است کوچک شمرده، و آن نعمت را که صغیر و حقیر است، بزرگ و مهم شمرده است.

بخش دوم: قرائت قرآن

در کتاب وافی، بابی هست به نام «باب قرائة القرآن و ثواب القرائة». در این باب روایتی از امام ششم (ع) نقل می کند که فرمود: «القرآن عهد الله الی خلفه» قرآن میثاق و پیمانی است بین خدا و بندگانش، و چون عهد خدا است، شایسته است که شخص مسلمان در این عهد خدا نگاه کند و هر روز حداقل ۵۰ آیه از این عهدنامه الهی را تلاوت نماید. داشتم می گشتم که سوره نهم را پیدا کنم، فرمود: از سوره یونس بخوان، برای اینکه سوره یونس نهمین سوره قرآن است.

ابن قدامه می گوید: سوره یونس را باز کردم و این آیات را تلاوت نمودم: «للذين أحسنوا الحسنى وزيادة ولا يرهق وجوههم فتر ولا ذلة» در صدر این آیه آمده است: «والله يدعوا الی دار السلام و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم» مردم در برابر دعوت خداوند دو گروهند، یک گروه اجابت

می‌کنند و گروهی دیگر استنکار می‌نمایند. عاقبت حسنی و خوب از آن مؤمنینی است که دعوت الهی را اجابت کرده و لیک گفته‌اند. هیچ سیاهی عارض صورتشان نمی‌شود و آنان را هیچگاه ذلتی نیست. اینکه در آیه می‌فرماید: هیچ سیاهی عارض صورتشان نمی‌شود و در جایی دیگر می‌فرماید: «یوم تبيض وجوه و تسود وجوه» روزی که بعضی از صورت‌ها سفید و بعضی دیگر در اثر گناه سیاه می‌شوند، این سیاهی صورت که در اثر گناه بر صورت انسان عارض می‌شود، امری غیر طبیعی نمی‌باشد زیرا بین اعمال انسان و رنگ صورت او رابطه‌ای است که هرگاه مثلاً از چیزی خجالت کشید، رنگ صورتش سرخ می‌شود و هرگاه ترسید زرد می‌شود، و هرگاه گناه کرد، باید از نظر طبیعی سیاه شود ولی خدای متعال برای حفظ آبروی او این رنگ را در دنیا بر صورت او پدید نمی‌آورد تا اینکه روز قیامت که روز ظهور اسرار است فرا رسد و آنگاه چهره انسان گنهکار همچون شب تار، سیاه شود و انسان با ایمان و با تقوا با چهره‌ای روشن و سفید در برابر خلاق ظاهر گردد. «اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون» همانا آنان اهل بهشت‌اند که در آن پایدار و جاوید می‌مانند.

ابن قداح می‌گوید: من آیاتی را از سوره مبارکه یونس (لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى - قُتِرُوا وَ لَازِلَةٌ) برای امام ابو جعفر (ع) خواندم، حضرت فرمود: «حسبك» همین قدر کافی است. آنگاه فرمود: «قال رسول الله: انى لا عجب كيف لا أشيب اذا قرأت القرآن» من در شگفتم چگونه قرآن را می‌خوانم و پیر نمی‌شوم! این ادب تلاوت است که قرآن خواندن همراه با تأثر باشد. و اینچنین است که هرگاه انسان قرآن می‌خواند، در همان حال که زبانش به عبادت مشغول است، باید تمام اعضا و جوارحش عبادت کند؛ سامعه‌اش، باصره‌اش و خلاصه با تمام وجودش از آیات قرآن بهره‌بردار و استفاده نماید.

بخش سوم: تلاوت از روی قرآن

در کتاب فضل القرآن اصول کافی، بابی است تحت عنوان: «باب قرائه القرآن فی المصحف» که روایت هایی در آن باب از معصومین (ع) رسیده و این مطلب را بیان می دارد که انسان بهتر است قرآن را از روی کتاب الهی باز کند و بخواند. اسحاق بن عمار می گوید، از امام ششم (ع) پرسیدم: «جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أَحْفَظُ الْقُرْآنَ عَلَى ظَهْرِ قَلْبِي، فَأَقْرُؤُهُ عَلَى ظَهْرِ قَلْبِي أَفْضَلُ أَوْ أَنْظَرُ فِي الْمُصْحَفِ؟» فدایت کردم! من قرآن را حافظم! پس اگر تلاوت قرآن را به حفظ بخوانم بهتر و با فضیلت تر است یا اینکه قرآن را باز کنم و از روی قرآن بخوانم؟

حضرت پاسخ داد: «بَلِ اقْرَأْهُ وَانْظُرْ فِي الْمُصْحَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ؛ بلکه قرآن را از روی قرآن بخوان، قرآن را باز کن و بخوان که بهتر است. آیا نمی دانی که نگاه کردن به قرآن عبادت است؟

نه تنها خواندن قرآن و نگاه کردن به قرآن عبادت است که حتی قرآن را به همراه داشتن نیز عبادت است. این الفاظ معجزه ای که احدی نمی تواند مانند آن را بیاورد و سخنان حضرت حق است، حتی همراه داشتن این الفاظ عبادت و ثواب است.

بخش چهارم: همراه داشتن قرآن

در باب «اتخاذ المصحف و کتابته»، از کتاب وافی حماد بن عیسی از امام ششم (ع) نقل می کند که فرمود: «إِنَّهُ لَيَعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ مُصْحَفٌ يَطْرُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الشَّيْطَانُ؛ من خوشم می آید که در منزل قرآن باشد، و به وسیله آن خداوند شیاطین را دور کند.

البته روشن است که در صورتی همراه داشتن و نگهداری قرآن، شیاطین را طرد می کند که تلاوت بشود، از آن آموزش ببینند، تعلیم و تزکیه از آن مطرح باشد و مسائل واحکامش مورد بررسی و سپس عمل قرار گیرد نه اینکه قرآن را در خانه بگذارند تا گرد و خاک بگیرد که در

صورت اول قرآن شفاعت می‌کند و در صورت دوم شکایت می‌نماید. پس تلاوت قرآن و انس با ظاهر قرآن برکت است، چه رسد به مراحل بالاتر که آموزش دیدن و بررسی آیات باشد.

بخش پنجم: خواندن قرآن در منزل

در باب «البیوت التي یقرأ فیها القرآن»؛ خانه‌هایی که در آن‌ها قرآن تلاوت می‌شود، روایتی را مرحوم کلینی (ره) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

«نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَلَا تَتَّخِذُوا قُبُورًا»؛ خانه‌های خود را با تلاوت و خواندن قرآن روشن و منور سازید و خانه‌هایتان را قبرستان نکنید. زیرا منزلی که قرآن در آن مطرح نباشد، آن منزل آرامگاه خانوادگی است نه جایی که برای زندگی باشد زیرا انسان وقتی زنده است که حیاتش با قرآن آمیخته باشد.

در ادامه حدیث می‌فرماید: «كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى صَلَّوْا فِي الْكِنَائِسِ وَالْبَيْعِ وَعَطَّلُوا بُيُوتَهُمْ»؛ خانه‌ها را گورستان نکنید، همانگونه که یهود و نصاری کردند که در کلیساها و معابد خود نماز خواندند و عبادت مخصوص را به جای آوردند ولی خانه‌های خود را تعطیل کردند، گویا عبادت منحصر به معابد است.

«فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ وَأَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا.»

و همانا هرگاه تلاوت و خواندن قرآن در منزل زیاد شود خیرات و برکات آن منزل افزونی می‌یابد و آن منزل برای اهل آسمان نور می‌دهد همانگونه که اختران آسمان برای اهل زمین نور می‌دهند.

روایتی دیگر در همین زمینه، ابن القداح از امام ششم صلوات الله علیه نقل می‌کند که فرمود:

«الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَيُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَإِنَّ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَلَا يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَقَلُّ بَرَكَتُهُ وَتَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ».

خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و ذکر خداوند در آن می‌شود، برکتش زیاد شده، فرشتگان در آن حاضر می‌شوند و همراه با شقاوت، به تو پناه می‌بریم که از علم قرآن نابینا شویم و معارفش را نفهمیم و در دستورهایش ستم روا داریم و از راهش تجاوز کنیم و حقش را ادا نکنیم.

سبیل قصد همان راه مقتصد و صراط مستقیم است که باید آن را پیمود و از آن هیچ گونه تخطی و تجاوز نکرد. راهی را که خداوند در قرآن نشان داده، همان راه مستقیم است و تنها راه رستگاری است که اگر کسی از آن تجاوز کرد، راه خدا را نپیموده است.

در قرآن می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ» (نحل، ۹)؛ بر خدا است که راه راست را به شما بنمایاند و اما راه دیگر انحرافی است [پس نباید از راه خدا تجاوز کرد] و اگر خدا می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد. بنابراین، آنان که از راه خدا دور شدند و تجاوز کردند، منحرف و گمراهند. و ما همواره از خدا باید بخواهیم که به توسط این قرآن راه راست را بر ما بگشاید و این به وسیله فهم و تدبیر در آیات قرآن و خضوع در برابر احکام الهی میسر است.

بخش ششم: وعی قرآن

خداوندا! سنگینی آن را از دوش ما بردار، و پاداشش را به ما عطا کن و شکر این نعمت را به ما الهام کن و ما را آنچنان قرار ده که آن را خوب بفهمیم و حفظ کنیم.

تنها بهره درک مفاهیم و معارف قرآن از آن کسانی است که دارای اذن واعیه‌اند یعنی قلب آنها، وعاء معارف قرآن باشد که در قرآن می‌فرماید: «وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ». در بیان معروف امیرالمؤمنین (ع) نیز آمده است: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا».

در اینجا انسان از خدا می‌خواهد آن توفیقی را به ما بدهد که جان ما وعاء و ظرف قرآن باشد. زیرا گرچه قاریان و تلاوت کنندگان قرآن زیادند ولی افرادی که جانشان ظرف قرآن است، اندک‌اند. در حدیث معروف تقسیم بشر، حضرت امیر (ع) به کمیل بن زیاد می‌فرماید: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَا عِ اتِّبَاعُ كُلِّ نَاعِيٍّ...»

در این روایت، حضرت امیر، عالم ربانی و متعلم علی سبیل نجات را به مفرد تعبیر کرده زیرا این گروه خیلی کمند ولی از گروه سوم که فراوانند به صیغه جمع ذکر کرده است. و از این معلوم می‌شود، آنهایی که قلبشان وعاء معارف قرآن است، خیلی کم می‌باشند؛ و در این دعا ما از خدا می‌خواهیم که ما را جزء آن گروه قرار دهد.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا نَتِيعَ حَلَالَهُ، وَ نَجْتَنِبُ حَرَامَهُ، وَ نَقِيمُ حُدُودَهُ، وَ نُوَدِّي فَرَائِضَهُ».

خداوندا! ما را توفیق ده که از حلال قرآن را پیروی کنیم و از حرامش بپرهیزیم و حدودش را اقامه کنیم و فرائضش را ادا نماییم.

از این هم معلوم می‌شود تلاوتی که مطلوب است با تدبیر همراه است و گرنه اگر غرض از تلاوت، قرائت محض بود بدون تدبیر، وجهی نداشت که انسان از خدا چنین درخواستی را قبل از قرائت بنماید.

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَلَاوَةً فِي تِلَاوَتِهِ، وَشَاطَاطًا فِي قِيَامِهِ، وَوَجَلًا فِي تَرْتِيلِهِ، وَقُوَّةً فِي اسْتِعْمَالِهِ، فِي آتَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ».

بارالها! به ما حلاوت و لذتی در قرائت قرآن عطا فرما که از تلاوت آیات قرآن لذت ببریم نه اینکه برای ما تکلیف باشد و هنگامی که آیاتش را ترتیل می کنیم، هراسی در دل ما ایجاد شود و توانی به ما ببخشی که در تمام ساعات شبانه روز بتوانیم از آن استفاده کنیم.

اینکه در این دعای شریف آمده بود: خدایا به ما توفیقی بده که ظرف دل ما جای معارف قرآن باشد برای آن است که اگر کسی در برابر قرآن خضوع نکند، از درک معارف آن محروم می ماند «سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ»

خداوند توفیق نمی دهد به انسان های متکبر و مغرور که معارف قرآنی را بفهمند. پس انسان متکبر از آیات الهی، چه آیات تکوینی و چه آیات تدوینی، طرفی نمی بندد و معرفتی پیدا نمی کند.

«آداب تلاوت قرآن به دو دسته «آداب ظاهری» و «آداب باطنی» تقسیم می شوند. بدیهی است که دارا بودن آداب ظاهری، شرط ورود به وادی قرائت و تلاوت قرآن است و برای بهره مندی از باطن قرآن و تدبر در مفاهیم و اهداف آیات، باید به آداب باطنی مسلح بود. طهارت ظاهری، وضو ساختن، پوشیدن جامه پاک و سفید، نشستن به سمت قبله و رعایت ترتیل از آداب ظاهری تلاوت هستند. تلاوت کننده قرآن در هنگام تلاوت، باید مؤدب و موقر باشد و قرائت او باید با نشاط باشد. قرآن را سریع نخواند. آن را شمرده، آرام و روشن قرائت کند. حالت حزن و بکاء داشته باشد. حق آیات را رعایت کند و در آغاز و انجام تلاوت، ادعیه وارده را بخواند. قرآن را بلند و با صدای خوش و از روی مصحف بخواند و هنگامی که دیگری می خواند، به آن گوش داده و سکوت نماید. بعضی از آداب تلاوت علاوه بر ظاهر، آداب باطنی را نیز شامل می شوند؛ مانند

صلوات، استعاذه و بسمله.» امام خمینی (ره) علاوه بر موارد فوق، آدابی باطنی را برای تلاوت مطلوب قرآن کریم عنوان کرده‌اند. در قرائت قرآن کریم مطلوب آن است که در قلب، صورت باطنی آن نقش بندد و اوامر و نواهی آن تأثیر کند و دعوت‌های آن جایگزین شود و از نظر عرفا این غایت حاصل نمی‌شود، مگر آنکه آداب تلاوت لحاظ شود و توسط قاری رعایت گردد. مقصود از آداب، آن نیست که پیش قاریان متداول شده است؛ به طوری که هم و غم قاری فقط به مخارج الفاظ و ادای حروف و رعایت تجوید معطوف شود، تا حدی که به غفلت از معنی و تفکر در آن بینجامد. این یکی از کیده‌های شیطان است که انسان متعبد را تا آخر عمر به الفاظ قرآن سرگرم می‌کند و از سر نزول قرآن و از حقیقت معارف والای آن به کلی غافل می‌کند. تازه بعد از ۵۰ سال قرائت، معلوم می‌شود که از شدت تغلیظ و تشدید در آن، از صورت کلام به کلی خارج شده و صورت غریبی پیدا کرده است، بلکه مقصود آدابی است که در شریعت مقدسه منظور شده است که عمده آنها تفکر و تدبر و اعتبار به آیات آن است.

بخش هفتم: صلوات

صلوات، نشانه محبت، مودت و وفاداری به خاندان پیامبر گرامی اسلام است که قرآن آن را اجر رسالت پیامبر دانسته است. صلوات صیقل دهنده روح زنگار گرفته است و نفاق را از بین می‌برد. صلوات عاملی برای محو گناهان، وسیله‌ای برای گشایش درهای آسمان، سبب استغفار و دعای فرشتگان در حق انسان، و وسیله‌ای برای تقرب به پیامبر در قیامت و دریافت شفاعت اوست. خوش عاقبت کسی است که آخرین کلامش در دنیا صلوات باشد.

یا اهل بیت رسول الله جبکم

فرض من الله فی القرآن انزله

كفاكم من عظیم القدر آنكم

من لم يُصَلِّ فلا صلوه له

امام خمینی (قدس سره) در این باره می فرماید: «از آداب مهم تلاوت قرآن، معرفت حرمت رسول اکرم (ص) است که بنده مؤمن باید به قلب بفهماند که اگر وجود نازنین آن سرور نبود، کسی را راه به عبودیت حق و وصول به مقام قرب و معراج معرفت نبود. پس باید توجه داشت که رفیق و مصاحب راه معرفت، حضرت ختمی مرتبت (ص) و معصومین از ائمه اطهار (ع) هستند و آنها ولی نعمتان و ابزار نزول برکات حق و وسایل وصول هستند.»

بخش هشتم: استعاذه

امام (ره) یکی از آداب قرائت قرآن را استعاذه به خداوند از شیطان رجیم بیان می کنند. یعنی قاری قرآن باید ابتدا از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد، چرا که شیطان در قرآن قسم یاد کرده است که: بر سر راه فرزندان آدم قرار می گیرم و آنها را از صراط مستقیم که همان مسیر کمال، هدایت و انسانیت است، دور می کنم. وسوسه های شیطان خار طریق معرفت است و بدون پناه بردن حقیقی به حصن الوهیت از شر او ایمنی حاصل نشود. خداوند می فرماید: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (نحل: ۹۸)؛ هرگاه خواستی قرآن بخوانی، از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر. قاری قرآن باید برای بهره مندی از قرآن با تمام وجود از شیطان که قاطع طریق انسان هاست، به خدای رحمان پناه ببرد و با گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، ظاهراً و باطناً از شیطان دوری کند و به الله پناه ببرد. الله محل امن چنین قاری قرآنی باید باشد.

امام (ره) می فرماید: «خود این استعاذه، یعنی پناه بردن به خدا، آدابی دارد.»

• اخلاص

یکی از آداب استعاذه، اخلاص است. وقتی قلب انسان خالص و فقط متوجه کمال مطلق شد، آن وقت انوار جمال الهی که خداوند در طینت آدم به ودیعه نهاده است، در آینه قلبش ظهور می کند. سپس این خلوص از باطن به ظاهر اعمال او سرایت می کند. در نتیجه، چنین انسان خالصی خودش را در حصن خداوند قرار می دهد و تحت تربیت حضرت حق قرار می گیرد و از ولایت و سرپرستی شیطان مصون می شود. قاری خودش را از شیطان و جنودش دور می کند و تحت تصرف الله قرار می گیرد و از مکر و حيله شیطان رها می شود. باید توجه داشت که وقتی می گوییم: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، این محتوا در قلبمان خطور می کند.

• رسیدن به توحید افعالی

انسان مؤدب به آداب قرائت قرآن، باید قلب خود را متذکر این حقیقت بکند که مالک حقیقی خداوند است. نتیجه این تذکر آن می شود که چشم طمع از سایر موجودات می بندد و فقط خدا را قدرت مطلق می داند. «لا مؤثر فی الوجود الا الله» را باور می کند و فقط خدا را در وجود و هستی مؤثر می بیند. خانه قلب خودش را به صاحب خانه وا می گذارد و تمام امور را تحت قدرت خداوند می بیند. به این ترتیب، جایی برای وسوسه شیطان و فریبکاری اش باقی نمی ماند.

• ایمان

خداوند می فرماید: «الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور». یعنی سرپرستی و ولایت این گونه افراد را که اهل ایمانند و برتر از عالمانانند، خدا خود بر عهده می گیرد. در نتیجه این افراد را از گزند و فتنه شیطان دور نگه می دارد و از همه مراتب ظلمت که غفلت و جهالت از مصادیق آن است، رهایشان می کند. آنها را از ظلمت معصیت، سرکشی، عصیان، خودبینی، خودپسندی، و

خود محوری و بالاخره از همه رذایل اخلاقی به سوی نور، سعادت، بندگی، ایمان، خدایینی و خدا محوری می کشاند. وقتی که چنین انسانی به این مقام راه یافت، آن وقت به مقام «توکل» که یکی از شاخه های «ایمان» است، دست پیدا می کند. همه امور را به خداوند قادر متعال می سپارد و حالت انقطاع از خلق برایش حاصل می شود. در این صورت، استعاذه او حقیقت پیدا می کند و از شر شیطان و جنودش به سوی خداوند و قدرت مطلق پناه می برد و با تمام وجود می گوید: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم».

نتیجه آنکه اخلاص در تمام مراتبش، چه در مراتب عمل و چه در مراتب بالاتر، و درک توحید فعلی - با مراتبش - کسب ایمان - با مراتبش - و رسیدن به مقام توکل، همه از آداب استعاذه است.

همچنین، امام راحل (ره) برای استعاذه مفید چهار رکن را ذکر می کنند که عبارتند از:

• مستعید (پناه برنده)

مستعید کیست؟ انسان زاهد، ابعاد و ساحات متفاوتی دارد. کدام ساحات انسان مستعید است؟ امام می فرمایند: «حقیقت انسان و جوهره انسان باید مستعید باشد.» در اربعین حدیث ایشان آمده است که: «انسان با عزم، جوهره انسانیتش شکوفا می شود. پس ما به صرف به دنیا آمدن و این رشد ظاهری، انسان - به تعبیر قرآن - نیستیم. اگر آن جوهره و حقیقت انسانی بیدار و متحقق شود، آن وقت مستعید می تواند پناه ببرد از شیطان به خدای بزرگ. به این ترتیب، تا وقتی که انسان گرفتار طبیعت و نفس است و به سیر و سلوک نپرداخته، نمی تواند مستعید باشد.»

• مستعاذمنه

ما باید از شر چه کسی پناه ببریم؟ امام می‌فرمایند: «این از شیطان است که به وسیله گشودن دام‌های رنگارنگ بر سر راه انسان، او را از مسیر هدایت باز می‌دارد و مانع طریق انسان می‌شود.»

• مستعاذ به

باید به چه کسی پناه ببریم؟ وقتی دشمن را شناختیم و نسبت به خود هم شناخت پیدا کردیم، می‌گوییم «اعوذ بالله»، زیرا «الله» ملجأ و پناهگاه سالکان است. چون این اسم جامع جمیع اسمای خداوند است و قاری قرآن در قلعه و دژ محکم الله خودش را از شر شیطان دور می‌کند.

• مستعاذ له

غایت و هدف این استعاذه چیست؟ اصل این استعاذه برای انسان پناه برنده مطلوب به ذات است. یعنی این مطلوب از سنخ کمالات و سعادت است. وقتی قاری به خدا از شر شیطان پناه برد، و استعاذه واقعی برایش محقق شد، کمالاتی نظیر سعادت‌های طبیعی، خرق عادات و کرامات، و... حاصل می‌شوند و غایت حقیقی وصول به مبدا مطلق، جمال و کمال مطلق و آینه خدا شدن است. در نتیجه استعاذه حقیقی، جستن بالاترین، مهمترین و پربارترین ادب باطنی تلاوت قرآن کریم است که نیل به آن می‌تواند بقیه آداب را با سرعت بیشتری محقق سازد و رعایت آنها برای قاری حقیقی قرآن، راحت‌تر و سهل الوصول‌تر باشد.

از این دشمن مشو غافل که ناگاه

کمین بگشوده آید بر سر راه

به دامش افتی و بدنام گردی

چه بدنامی که دشمن کام‌گردی

بخش نهم: بسمله

یعنی آغاز کلام الهی با لفظ مقدس «بسم الله الرحمن الرحيم». مردم معمولاً هنگامی که می‌خواهند کاری را شروع کنند، آن را به نام شخصیت برجسته‌ای افتتاح می‌کنند. به این منظور که آن کار به وسیله این عمل، فرخنده و میمون شود، یا برای اینکه یادبودی از آن شخصیت بزرگ باشد. خداوند متعال نیز کلام بزرگ خود را به این روش آغاز کرده و آن را به نام نامی خود افتتاح فرموده است، تا معنای کلماتش به آن نام مربوط و نشانه‌ای از آن داشته باشد. ضمناً، سرمشقی برای بندگان باشد تا کردار و گفتار خود را به نام مقدسش شروع کنند و اعمال آنها نشانه‌ای از حق و هم برای او بوده باشد و به این وسیله، فنا و نقصان به آن راه نیابد. زیرا به نام خداوندی آغاز شده است که زوال و نیستی به دامن کبریای او دراز نمی‌شود. هدف اصلی قرآن کریم، هدایت و سوق بشر به سعادت است. روی همین اصل، تمام سوره‌های قرآن به جز توبه که آن هم دلیل خاص خود را دارد با بسم الله آغاز می‌شوند تا از آغاز تا انجام، با موفقیت و پیروزی و بدون شکست انجام شود. حضرت امام (ره) در آثار خویش در مورد کلمه طیبۀ بسم الله این گونه بیان داشته‌اند: «بسم الله در هر سوره غیر از بسم الله در سوره دیگر است.» که در هر سوره متعلق به خود آن سوره است. مثلاً بسم الله سوره مبارکه «حمد» متعلق به حمد است، زیرا هر قول و عملی که از انسان صادر می‌شود، قیومیت اسم الهی است. در کتاب «شرح دعای سحر» امام که در اوج قله‌های رفیع عرفان است، به مطلب بسیار عرفانی و ملکوتی برمی‌خوریم. ایشان در مورد حقیقت بسم الله بر استاد عرفان خود، حاج میرزا جواد ملک‌ی تبریزی ایراد می‌گیرند و این مصداق همان آیه شریفه «السابقون السابقون...» است که امام بر استادان خویش نیز پیشی گرفته‌اند. حاج میرزا جواد تبریزی، در کتاب «اسرار الصلوه» خویش عنوان می‌دارند: «بسم الله یک آیه است که در اول هر سوره نازل

شده و با نزولش در هر سوره، حقیقتش اختلاف پیدا نمی‌کند و بسم الله سوره حمد مثلاً همان بسم الله سوره اخلاص است و تنها از آن جهت که چند مرتبه نازل شده، لازم نمی‌آید که در خواندنش بسم الله همان سوره را که می‌خواهی بخوانی، قصد کنی.»

حضرت امام (ره) در این باره می‌فرمایند: «این سخن از آن بزرگوار غریب است. زیرا حقیقت بسم الله در آغاز سوره‌ها با هم اختلاف دارند، بلکه بسم الله گفتن بر حسب اختلاف اشخاص مختلف است و بلکه گفتن بسم الله از شخص واحد به حسب اختلاف حالات و مقاماتش مختلف است و در هر مقامی، گفتن بسم الله حقیقتی مخصوص به آن مقام دارد.»

آیت الله حسن‌زاده آملی در کتاب ولایت تکوینی خویش در مورد بسم الله می‌گوید: «بسم الله عارف به منزله کن الله (جل جلاله) است و باید از بسم الله به روی انسان دری گشوده شود.

نتیجه گیری

۱- طهارت تلاوت کننده قرآن.

۲- نحوه قرائت؛ مستحب است قرآن به ترتیل یعنی آهسته و هموار خوانده شود؛ زیرا مقصود از قرائت، تفکر است و ترتیل به تفکر کمک می‌کند؛ لذا ام سلمه در وصف قرائت پیامبر (ص) می‌گوید: آن حضرت، قرآن را آهسته و هموار و حرف، حرف می‌خواندند. این نوع تلاوت باعث می‌شود انسان با تفکر و تدبری بیشتر قرآن را قرائت نماید.

۳- گریستن هنگام قرائت قرآن؛ گریستن در تلاوت قرآن استحباب دارد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: قرآن را همواره با گریه تلاوت کنید و اگر گریه نمی‌کنید، خود را به حالت گریه

کنندگان در آورید. از امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: قرآن با اندوه نازل گردیده پس آن را با صدای حزین بخوانید.

۴- رعایت حق آیات قرآن؛ حق آیات قرآنی این است که چون تلاوت کننده به آیات سجده برسد و یا آنها را از کسی بشنود، سجده کند.

۵- شایسته است در آغاز تلاوت، «بسم الله الرحمن الرحيم» و در پایان، «صدق الله العلی العظيم» بگوییم.

۶- تلاوت از روی مصحف؛ اسحق بن عمار می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم! من قرآن را حفظ کردم، آیا آن را از حفظ بخوانم یا از روی مصحف؟ فرمودند: آن را از روی مصحف بخوان. مگر نمی دانی که نگاه به قرآن عبادت است؟

۷- قرائت قرآن با صدای خوش. پیامبر خدا (ص) فرموده‌اند: قرآن را با صدای خود زینت بخشید و نیز فرموده‌اند: از ما نیست کسی که در خواندن قرآن تغنی نکند.

۸- و هنگامی که به آیه‌ای رسیدی که در آن ذکر بهشت بود، مکث کن و از خدا بهشت را طلب نما و هنگامی که به آیه‌ای رسیدی که در آن ذکر آتش جهنم و عذاب بود، مکث کن و از آتش جهنم به خداوند پناه ببر.

۹- هیچگاه نباید قرآن را روی زمین گذاشت. قرآن را روی سطوح بلند قرار دهیم؛ زیرا که زمین محل رفت و آمد است و جایگاه و قداست قرآن والا است.

منابع و مآخذ

۱. مسگری، جواد، نغمه وحی، انتشارات جامعه قاریان مشهد، مشهد، ۱۳۸۴.
۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۳. مطهری، مرتضی ۱۳۹۶، دسته کتاب های علوم قرآنی، کتاب آشنایی با قرآن، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا.
۴. معرفت، محمد هادی، نقش آهنگ در تلاوت قرآن، کیهان اندیشه، شماره ۲۸، ۱۳۶۸.
۵. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۶ ش.
۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۷. مودب، سیدرضا، محسن قائمی، بررسی تفسیری آیات ناظر به جایگاه تلاوت قرآن و آثار آن با تأکید بر آیه ۲ انفال، مطالعات تفسیری، شماره ۴۸، زمستان ۱۴۰۰.
۸. موسوی خمینی، روح الله، آداب الصلوه، مؤسسه نشر آثار حضرت امام (ره)، ۱۳۷۲ ش.
۹. موسی پور، مهشید، محمدرضا شاهرودی، منصور پهلوان، سعید شفیعی، بررسی رویکرد نقد تفسیر تسنیم به اختلاف قرائات (مبانی و معیارها)، مطالعات قرائت قرآن، سال دهم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۱.
۱۰. میبدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.

۱۱. میلانی فر، بهروز، بهداشت روانی، چ ۱۴، تهران: نشر قومس، ۱۳۹۵.
۱۲. نباتی، رضا، باقری، یونس، تلاوت های ماندگار، رشد آموزش قرآن، شماره ۲۲، ۱۳۸۷.
۱۳. نجارزادگان، فتح الله، تحریف ناپذیری قرآن، تهران، مشعر، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. نصر، محمد مکی؛ نهائیه القول المفید فی علم تجوید القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
۱۵. نقدی یزدی محمدعلی، اسلام و موسیقی، میراث ماندگار، قم ۱۳۹۰.
۱۶. نلسون، کریستینا، هنر قرائت قرآن، ترجمه محمدرضا ستوده نیا، زهرا جانشاری لارانی، زمان نو، تهران، ۱۳۹۰.
۱۷. هادیان شیرازی، زهرا، راحله ثابت سروسستانی، معصومه رامبد، تجربه تلاوت قرآن کریم در مادران دارای نوزاد نارس بستری در بخش مراقبت ویژه نوزادان، علوم پزشکی صدر، بهار ۱۳۹۴.
۱۸. هنر تلاوت، انتشارات تلاوت وابسته به سازمان دارالقرآن کریم، تهران، ۱۳۹۰.
۱۹. یزدان پناه سامانی، تهمینه، امام خمینی (ره) و آداب تلاوت قرآن کریم، رشد آموزش قرآن، پاییز ۱۳۹۰.
۲۰. یوسفی، حبیب؛ نرم افزار المائده «۲»، تهران، شرکت پیغام نور رایان